

The Role of Tourism in Consolidating Peace in Host Communities: A Case Study of Managers of the Ministry of Cultural Heritage, Tourism, and Tourism Activists in Mazandaran Province

1. Reza Habibpour Ledari[✉]: Department of Sociology, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran

2. Abolghasem Heidarabadi*[✉]: Department of Sociology, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran

3. Manouchehr Pahlavan[✉]: Department of Sociology, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran

*Corresponding Author's Email Address: a.heidarabadi@iau.ac.ir

Abstract:

This study aims to examine the role of tourism in consolidating peace in host communities from the perspective of tourism activists in Mazandaran Province. This applied research employed a descriptive–Delphi approach. Data were collected using a validated questionnaire refined through expert consultation. The statistical population included senior and middle managers of the Ministry of Cultural Heritage, museum directors, and private tourism sector managers in Mazandaran. Due to the limited number of participants, a census method was used. Respondents' perceptions were assessed using a five-point Likert scale, and data were analyzed using SPSS software. The reliability of the instrument, measured by Cronbach's alpha, was 0.739, indicating acceptable internal consistency. Results indicated that the majority of respondents agreed that tourism positively influences social tolerance and peaceful coexistence within host communities. One hundred percent of participants supported the positive tourism statements. The positive cultural ($\alpha=0.776$) and overall positive ($\alpha=0.801$) attitude indices showed higher reliability. Conversely, the negative cultural index recorded the lowest reliability ($\alpha=0.184$). Findings confirmed that tourism contributes to sustainable economic development, job creation, and inter-cultural understanding, while also raising concerns over environmental degradation and cultural erosion in the absence of proper management. Tourism acts as a powerful instrument for peacebuilding, coexistence, and sustainable development in host societies. Although unplanned growth of tourism can lead to environmental and socio-economic challenges, strategic management and supportive policy frameworks can transform tourism into a sustainable force for peace and mutual understanding.

Keywords: Tourism; Peace; Sustainable Development; Cultural Heritage; Intercultural Interaction

How to Cite: Habibpour Ledari, R., Heidarabadi, A., & Pahlavan, M. (2026). Investigating the Impact of Digital Governance on the Development of Virtual Education among Faculty Members of Mazandaran University of Medical Sciences. *Management, Education and Development in Digital Age*, 3(3), 1-14.



نقش گردشگری در تحکیم صلح در جوامع میزبان از دیدگاه فعالان گردشگری (مورد مطالعه: مدیران وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و برخی فعالان گردشگری استان مازندران)

۱. رضا حبیب پور لداری^{ID}: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. ابوالقاسم حیدرآبادی^{ID*}: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳. منوچهر پهلوان^{ID}: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.heidarabadi@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش گردشگری در تحکیم صلح در جوامع میزبان از دیدگاه فعالان گردشگری استان مازندران است. این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی با رویکرد دلفی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که به نظرات متخصصان حوزه گردشگری اصلاح شده و دارای روایی محتوایی است، گردآوری گردید. جامعه آماری شامل مدیران ارشد و میانی وزارت میراث فرهنگی، مدیران موزه‌ها، شرکت‌های گردشگری، اقامتگاه‌ها و رستوران‌ها در استان مازندران بود. به دلیل محدود بودن جامعه، از روش تمام‌شماری استفاده شد. برای سنجش دیدگاه پاسخ‌دهندگان از مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. برای تعیین پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه مقدار ۰.۷۳۹ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد ابزار بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که اکثریت پاسخ‌دهندگان، گردشگری را عاملی مثبت در افزایش مدارای اجتماعی، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح در جوامع میزبان می‌دانند. ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان با گویه‌های مرتبط با اثرات مثبت گردشگری موافق بودند. شاخص‌های رویکرد مثبت فرهنگی ($\alpha=0.776$) و مثبت کلی ($\alpha=0.801$) از پایایی بالاتری برخوردار بودند. در مقابل، رویکرد منفی فرهنگی کمترین میزان پایایی ($\alpha=0.184$) را داشت. همچنین یافته‌ها نشان داد گردشگری علاوه بر تأثیر اقتصادی در ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، موجب ارتقای تعاملات فرهنگی، شناخت متقابل ملل و تقویت انسجام اجتماعی می‌گردد. با این حال، برخی نگرانی‌ها درباره پیامدهای منفی زیست‌محیطی و تهاجم فرهنگی نیز مطرح شد. پژوهش حاضر نشان داد که گردشگری می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای صلح، همزیستی و توسعه پایدار در جوامع میزبان ایفای نقش کند. اگرچه رشد بی‌برنامه گردشگری ممکن است آسیب‌هایی در حوزه محیط زیست و اقتصاد محلی ایجاد کند، اما برنامه‌ریزی راهبردی و حمایت سیاست‌گذاران از این صنعت می‌تواند آن را به نیرویی مؤثر برای گسترش صلح پایدار تبدیل نماید.

کلیدواژه‌گان: گردشگری، صلح، توسعه پایدار، میراث فرهنگی، تعاملات فرهنگی

نحوه استناددهی: حبیب پور لداری، رضا، حیدرآبادی، ابوالقاسم، و پهلوان، منوچهر. (۱۴۰۵). نقش گردشگری در تحکیم صلح در جوامع میزبان از دیدگاه فعالان گردشگری (مورد مطالعه: مدیران وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و برخی فعالان گردشگری استان مازندران). *مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال*، ۳(۳)، ۱-۱۴.



مقدمه

گردشگری در دهه‌های اخیر به یکی از مؤثرترین صنایع جهانی در رشد اقتصادی، تعاملات فرهنگی و تقویت روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این صنعت نه تنها نقش بسزایی در توسعه پایدار کشورها دارد، بلکه به‌عنوان ابزاری برای گسترش صلح، تفاهم و همزیستی بین‌ملتها شناخته می‌شود (Farmaki, 2017). ارتباط میان گردشگری و صلح، موضوعی چندوجهی است که از منظرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه نظریه‌پردازان توسعه، گردشگری می‌تواند با کاهش فاصله‌های فرهنگی، تقویت شناخت متقابل و ایجاد تعاملات سازنده میان جوامع، به عنوان بستری برای تحقق صلح مثبت عمل کند (Haessly, 2010).

در تعریف صلح، پژوهشگران میان «صلح منفی» که به معنای نبود خشونت فیزیکی است و «صلح مثبت» که ناظر بر عدالت اجتماعی، همبستگی و همکاری بین‌فرهنگی است، تمایز قائل شده‌اند (Balvin & Kashima, 2012). در همین راستا، گردشگری به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی می‌تواند از طریق ایجاد ارتباطات مستقیم میان مردم، تحقق صلح مثبت را تسهیل کند. از سوی دیگر، صلح نیز یکی از پیش‌شرط‌های اساسی توسعه گردشگری است، زیرا تحقق امنیت و ثبات اجتماعی از عوامل کلیدی جذب گردشگران داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود (Honey & Gilpin, 2009).

مطالعات نشان می‌دهد که صنعت گردشگری در جوامعی که به اصول صلح و مدارا پایبند هستند، رشد سریع‌تری دارد و در مقابل، منازعات اجتماعی و ناامنی سیاسی می‌تواند موجب فروپاشی سریع ساختار گردشگری شود (Farmaki, 2017). بنابراین، ارتباط میان صلح و گردشگری یک رابطه دوسویه و تکاملی است که توسعه یکی، پیش‌زمینه رشد دیگری محسوب می‌شود (Fatemi, 2021).

در میان آثار اجتماعی و فرهنگی گردشگری، مفهوم «گفت‌وگوی بین‌فرهنگی» جایگاه ویژه‌ای دارد. گسترش تعاملات فرهنگی میان جوامع میزبان و گردشگران خارجی می‌تواند منجر به کاهش پیش‌داوری‌ها، ارتقای احترام متقابل و افزایش درک مشترک میان ملت‌ها گردد (Robinson & Picard, 2006). این تعاملات ضمن تقویت روحیه همبستگی انسانی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری فرهنگ صلح فراهم می‌آورد؛ فرهنگی که از طریق تبادل ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهای مختلف، به انسجام اجتماعی و تفاهم جهانی منجر می‌شود (Haessly, 2010).

از سوی دیگر، توسعه گردشگری می‌تواند اثرات اقتصادی قابل توجهی در جوامع میزبان ایجاد کند. ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای محلی و رشد بخش خدمات از جمله پیامدهای مثبت آن است که به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند (Hashemian Bojnord, 2015). این امر خود از عوامل اصلی ایجاد صلح پایدار است، زیرا جوامعی که از نظر اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار دارند، کمتر مستعد درگیری‌های اجتماعی و خشونت‌های ساختاری هستند (Balvin & Kashima, 2012). افزون بر این، مدیریت صحیح منابع طبیعی و زیست‌محیطی در فرایند توسعه گردشگری می‌تواند به تحقق عدالت بین‌نسلی و پایداری زیست‌محیطی بینجامد (Zahedi, 2006).

با این حال، توسعه گردشگری بدون برنامه‌ریزی دقیق ممکن است به پیامدهای منفی نیز منجر شود؛ از جمله تخریب محیط زیست، تهاجم فرهنگی و گسترش نابرابری‌های اجتماعی. از این رو، بسیاری از پژوهشگران تأکید دارند که سیاست‌های توسعه گردشگری باید مبتنی بر اصول «گردشگری پایدار» باشد، به گونه‌ای که منافع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن به‌صورت عادلانه در میان ذی‌نفعان توزیع شود (Hasana et al., 2021). گردشگری پایدار با تمرکز بر حفظ منابع طبیعی و ارتقای مشارکت جامعه محلی، مسیر توسعه‌ای را ترسیم می‌کند که همسو با عدالت اجتماعی و حفاظت محیط‌زیست است (Zahedi, 2006).

از منظر فرهنگی و اجتماعی، گردشگری نقش مهمی در بازنمایی هویت‌ها، تعامل تمدن‌ها و بازتولید معانی فرهنگی دارد. در ایران، تنوع قومی و فرهنگی بستر مناسبی برای گسترش گردشگری فرهنگی و تعاملات درون‌ملی فراهم کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعامل اقوام مختلف از طریق گردشگری می‌تواند به افزایش همبستگی اجتماعی، انسجام ملی و کاهش تنش‌های فرهنگی منجر شود (Sohrabzadeh & Zafardoust, 2015). این در حالی است که در سطح بین‌المللی نیز گردشگری فرهنگی به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی نرم، موجب ارتقای تصویر مثبت کشورها در افکار عمومی جهانی می‌گردد (Frew & White, 2011).

در میان ابعاد گوناگون گردشگری، بعد جنسیتی و نقش زنان نیز اهمیت قابل توجهی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مشارکت زنان در صنعت گردشگری، نه تنها موجب ارتقای جایگاه اقتصادی آنان می‌شود، بلکه به افزایش خودباوری، استقلال اجتماعی و بازتعریف نقش زنان در جامعه نیز کمک می‌کند (Haghighat Ghahfarokhi et al., 2023). از این منظر، گردشگری می‌تواند به‌طور غیرمستقیم در ترویج عدالت جنسیتی و صلح اجتماعی نقش‌آفرین باشد.

از سوی دیگر، در دنیای امروز، فناوری‌های نوین اطلاعاتی نقش برجسته‌ای در تحول صنعت گردشگری ایفا می‌کنند. استفاده از فناوری‌های دیجیتال، بازاریابی الکترونیکی و سامانه‌های هوشمند رزرو باعث تسهیل ارتباط میان گردشگران و جوامع میزبان شده است. این امر نه تنها موجب افزایش گردشگران داخلی و خارجی می‌شود بلکه آگاهی عمومی نسبت به فرهنگ‌های مختلف را نیز ارتقا می‌دهد (Hoseynzadeh & Hooshmand, 2020). فناوری، ابزاری مؤثر برای گسترش تعاملات انسانی و کاهش فاصله‌های فرهنگی است که می‌تواند از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و تبلیغات هدفمند، بر فرهنگ صلح نیز تأثیرگذار باشد.

به‌موازات این تحولات، نقش رهبری و فرهنگ سازمانی در نهادهای مرتبط با گردشگری، موضوعی حیاتی در کارآمدی این صنعت محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رهبری تحول‌آفرین و فرهنگ سازمانی مشارکتی می‌تواند عملکرد کارکنان حوزه گردشگری را بهبود بخشد و در ارتقای کیفیت خدمات و رضایت گردشگران مؤثر باشد (Idris et al., 2022). از این رو، مدیریت کارآمد منابع انسانی و توجه به مهارت‌های ارتباطی کارکنان، یکی از الزامات موفقیت در صنعت گردشگری صلح‌محور به‌شمار می‌رود.

در ایران نیز گردشگری با وجود ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی گسترده، هنوز از تمام پتانسیل خود برای گسترش صلح و توسعه پایدار بهره‌برداری نکرده است. در برخی شهرها مانند مریوان، توسعه گردشگری شهری سبب افزایش بردن‌دینگ مقصد و ارتقای تصویر شهر در سطح ملی شده است (Jalalian et al., 2019). همچنین مطالعات جدید در شهر ساری نشان می‌دهد که افزایش مشارکت اجتماعی در صنعت گردشگری می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی شهری و ارتقای سرمایه اجتماعی منجر شود (Rasouli et al., 2024).

این یافته‌ها تأکید می‌کنند که توسعه گردشگری تنها در صورتی به صلح اجتماعی منجر می‌شود که با مشارکت مردم، عدالت فرهنگی و رویکردی انسان‌محور همراه گردد. به‌علاوه، پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی حاکی از آن است که گردشگری به‌ویژه در مناطق درگیر منازعه، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بازسازی روابط اجتماعی و بازگشت اعتماد میان گروه‌های درگیر عمل کند. این نقش ترمیمی گردشگری در فرایند آشتی ملی، از طریق بازسازی هویت‌های جمعی، احیای خاطرات مشترک و تقویت حس تعلق به سرزمین تحقق می‌یابد (Balvin & Kashima, 2012). از این رو، گردشگری در مفهوم گسترده‌تر خود، نه تنها صنعتی اقتصادی بلکه ابزاری فرهنگی و انسانی برای ایجاد صلح مثبت است (Haessly, 2010).

به‌رغم تأکید بر نقش مثبت گردشگری در تحقق صلح، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این رابطه همواره خطی و ساده نیست. در برخی موارد، گردشگری می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اقتصادی یا بهره‌کشی فرهنگی منجر شود، به‌ویژه زمانی که توسعه گردشگری به‌صورت متمرکز و بدون مشارکت جوامع محلی صورت گیرد (Honey & Gilpin, 2009). بنابراین، شرط اساسی بهره‌گیری از ظرفیت صلح‌ساز گردشگری، وجود راهبردهای مدیریتی مبتنی بر عدالت، شفافیت و مشارکت فعال همه ذی‌نفعان است (Hasana et al., 2021).

از نظر روان‌شناسی اجتماعی نیز، نظریه تماس بین‌گروهی بیان می‌کند که تماس مستقیم و برابر میان گروه‌های مختلف می‌تواند به کاهش تنش‌های بین‌فرهنگی و ارتقای صلح منجر شود (Farmaki, 2017). صنعت گردشگری با فراهم آوردن زمینه چنین تماس‌هایی، می‌تواند پلی میان فرهنگ‌ها بسازد و از طریق تبادل تجربه و همدلی، تفاهم جهانی را گسترش دهد. در این میان، آموزش صلح و اخلاق گردشگری نیز نقش حیاتی در هدایت رفتار گردشگران و جوامع میزبان دارد (Haessly, 2010).

در نهایت، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که گردشگری نه تنها در سطوح بین‌المللی، بلکه در درون جوامع نیز می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تحکیم انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل و کاهش خشونت‌های ساختاری ایفای نقش کند (Fatemi, 2021; Rasouli et al., 2024). چنین نگرشی با دیدگاه سازمان جهانی گردشگری هم‌خوان است که صلح و توسعه پایدار را دو رکن اساسی صنعت گردشگری می‌داند. بنابراین، با توجه به اهمیت چندبعدی گردشگری در ایجاد تعاملات فرهنگی، توسعه اقتصادی و ارتقای صلح اجتماعی، این پژوهش با هدف بررسی نقش گردشگری در تحکیم صلح در جوامع میزبان از دیدگاه فعالان گردشگری استان مازندران انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

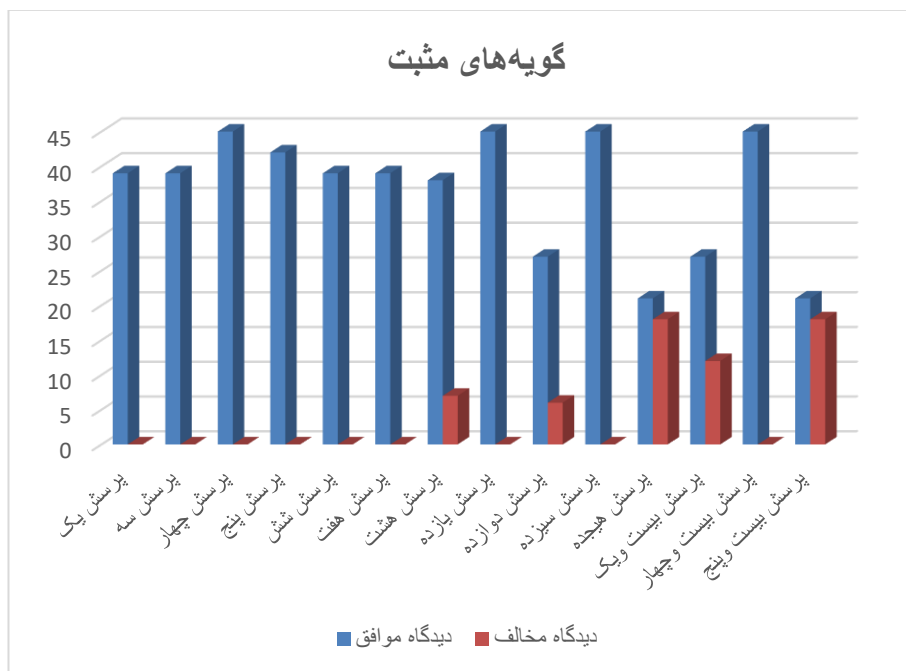
روش مورد استفاده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی است. زیرا قصد دارد یکی از پیامدهای گردشگری را بسنجد و همچنین از نظر ماهیت توصیفی از نوع دلفی است. در این پژوهش تلاش شده از طریق نظرسنجی به تبیین پدیده‌های واقعی پرداخته شود. پژوهش پیش رو با استفاده از استراتژی پژوهشی دلفی (DELPHI) به جمع آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. روش دلفی به منظور برقراری تعامل صحیح بین نظرهای واقعی افراد طراحی شده است. دلفی از جمع آوری نظرات کارشناسان در دفعات متعدد با استفاده متوالی از پرسشنامه بدست می‌آید. برای نمایاندن هم‌گرایی نظرها و تشخیص اختلاف باورها یا واگرایی نظرها به کار می‌رود. هر تکرار یک دوره را تشکیل می‌دهد. همچنین برای سنجش میزان اعتقاد و باور جامعه آماری به تاثیر گردشگری در تحکیم صلح از طریق سنجش میزان شدت به روش طیف لیکرت استفاده گردید. در مرحله اول ۳۰ سوال طرح گردید که این سوالات را خدمت ۵ نفر از نخبگان دانشگاهی فعال در حوزه گردشگری شاغل در پژوهشکده، وزارت میراث ارسال گردید و از آن‌ها خواسته شد نظرات خود را در خصوص سوالات پرسشنامه مطرح نمایند، که در نهایت با مشورت اساتید ۲۵ سوال نهایی و در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت. در این پژوهش جامعه آماری شامل مدیران ارشد و میانی میراث فرهنگی شاغل در ستاد، ادارات استان مازندران، موزه‌های استان مازندران و تعدادی از مدیران شرکت‌های خصوصی مرتبط با گردشگری، اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها می‌باشند و همچنین با توجه به تعداد آن‌ها نیازی به نمونه‌گیری نمی‌باشد و از روش تمامی استفاده شده است.

یافته‌ها

نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان دهنده این است که ۶۱٪ از پاسخ دهندگان مرد و ۴۹٪ از آن‌ها زن بودند. ۱٪ از پاسخ دهندگان زیر ۳۰ سال، ۳۶٪ از پاسخ دهندگان بین ۳۰-۴۰، ۴۸٪ از پاسخ دهندگان بین ۴۰-۵۰ و ۱۵٪ از پاسخ دهندگان بالای ۵۰ سال داشتند. همچنین از مجموع پاسخ دهندگان ۴٪ زیر لیسانس، ۴۹٪ لیسانس، ۳۸٪ فوق لیسانس، ۹٪ دکتری می‌باشند. همچنین ۴۲/۵٪ جامعه آماری، فعالان حوزه گردشگری مانند مدیران مراکز اقامتی، رستوران‌ها، اقامتگاه‌ها و ۵۷/۵٪ پاسخ دهندگان شاغلان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌باشند.

جدول ۱. توزیع فراوانی گویه‌های مثبت

گویه‌های مثبت	دیدگاه موافق		دیدگاه مخالف	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پرسش یک	۳۹	۸۶.۷	۰	۰.۰
پرسش سه	۳۹	۸۶.۷	۰	۰.۰
پرسش چهار	۴۵	۱۰۰.۰	۰	۰.۰
پرسش پنج	۴۲	۹۳.۳	۰	۰.۰
پرسش شش	۳۹	۸۶.۷	۰	۰.۰
پرسش هفت	۳۹	۸۶.۷	۰	۰.۰
پرسش هشت	۳۸	۸۴.۴	۷	۱۵.۶
پرسش یازده	۴۵	۱۰۰.۰	۰	۰.۰
پرسش دوازده	۲۷	۶۰.۰	۶	۱۳.۳
پرسش سیزده	۴۵	۱۰۰.۰	۰	۰.۰
پرسش هیجده	۲۱	۴۶.۷	۱۸	۴۰.۰
پرسش بیست و یک	۲۷	۶۰.۰	۱۲	۲۶.۷
پرسش بیست و چهار	۴۵	۱۰۰.۰	۰	۰.۰
پرسش بیست و پنج	۲۱	۴۶.۷	۱۸	۴۰.۰

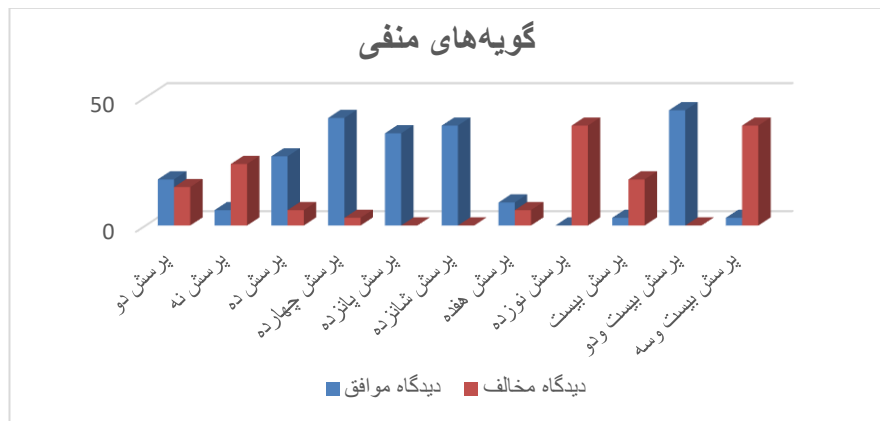


شکل ۱. توزیع فراوانی گویه‌های مثبت

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول، همانطوریکه مشاهده می‌شود ۱۰۰ درصد (۴۵ نفر از جامعه آماری با گویه‌های چهار، یازده، سیزده و بیست و چهار موافقت کردند. ۹۳.۳ درصد (۴۲ نفر از جامعه آماری با گویه پنج موافقت کردند. ۸۶.۷ درصد (۳۹ نفر از جامعه آماری با گویه‌های یک سه شش و هفت موافقت کردند. ۸۴.۴ درصد (۳۸ نفر) از جامعه آماری با گویه هشت موافقت کردند. ۶۰ درصد (۲۷ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های دوازده و بیست و یک موافقت کردند. ۴۶.۷ درصد (۲۱ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های هیجده و بیست و پنج موافقت کردند. ۴۰ درصد (۱۸ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های هیجده و بیست و پنج موافقت کردند. ۲۶.۷ درصد (۱۲ نفر) از جامعه آماری با گویه بیست و یک موافقت کردند. ۱۵.۶ درصد (۷ نفر) از جامعه آماری با گویه هشت موافقت کردند. ۱۳.۳ درصد (۶ نفر) از جامعه آماری با گویه دوازده موافقت کردند. هیچیک از پاسخگویان در خصوص گویه‌های یک، سه، چهار، پنج، شش، هفت، یازده، سیزده و بیست و چهار نظر مخالفی نداشتند.

جدول ۲. توزیع فراوانی گویه‌های منفی

گویه‌های منفی	دیدگاه موافق فراوانی	درصد	دیدگاه مخالف فراوانی	درصد
پرسش دو	۱۸	۴۰.۰	۱۵	۳۳.۳
پرسش نه	۶	۱۳.۳	۲۴	۵۳.۳
پرسش ده	۲۷	۶۰.۰	۶	۱۳.۳
پرسش چهارده	۴۲	۹۳.۳	۳	۶.۷
پرسش پانزده	۳۶	۸۰.۰	۰	۰.۰
پرسش شانزده	۳۹	۸۶.۷	۰	۰.۰
پرسش هفده	۹	۲۰.۰	۶	۱۳.۳
پرسش نوزده	۰	۰.۰	۳۹	۸۶.۷
پرسش بیست	۳	۶.۷	۱۸	۴۰.۰
پرسش بیست و دو	۴۵	۱۰۰.۰	۰	۰.۰
پرسش بیست و سه	۳	۶.۷	۳۹	۸۶.۷



شکل ۲. توزیع فراوانی گویه‌های منفی

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول، همانطوریکه مشاهده می‌شود:

۱۰۰ درصد (۴۵ نفر) از جامعه آماری با گویه بیست و دو موافقت کردند. ۹۳.۳ درصد (۴۲ نفر) از جامعه آماری با گویه چهارده موافقت کردند. ۸۶.۷ درصد (۳۹ نفر) از جامعه آماری با گویه شانزده موافقت کردند. ۸۰ درصد (۳۶ نفر) از جامعه آماری با گویه پانزده موافقت کردند. ۶۰ درصد (۲۷ نفر) از جامعه آماری با گویه ده موافقت کردند. ۴۰ درصد (۱۸ نفر) از جامعه آماری با گویه دو موافقت کردند. ۲۰ درصد (۹ نفر) از جامعه آماری با گویه هفده موافقت کردند. ۱۳.۳ درصد (۶ نفر) از جامعه آماری با گویه نه موافقت کردند. ۶.۷ درصد (۳ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های بیست و بیست و سه موافقت کردند. هیچیک از پاسخگویان در خصوص

۸۶.۷ درصد (۳۹ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های نوزده و بیست و سه موافقت کردند. ۵۳.۳ درصد (۲۴ نفر) از جامعه آماری با گویه نه موافقت کردند. ۴۰ درصد (۱۸ نفر) از جامعه آماری با گویه بیست موافقت کردند. ۳۳.۳ درصد (۱۵ نفر) از جامعه آماری با گویه دو موافقت کردند. ۱۳.۳ درصد (۶ نفر) از جامعه آماری با گویه‌های ده و هفده موافقت کردند. ۶.۷ درصد (۳ نفر) از جامعه آماری با گویه چهارده موافقت کردند. هیچیک از پاسخگویان در خصوص گویه‌های پانزده، شانزده و بیست و دو نظر مخالفی نداشتند.

برای سنجش پایایی شاخص‌های این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای شاخص‌های تحقیق به صورت زیر است:

جدول ۳. میزان آلفای کرونباخ برای شاخص‌ها و کل پرسشنامه

ردیف	موارد	آلفای کرونباخ
۱	شاخص رویکرد مثبت اقتصادی	۰.۵۷۲
۲	شاخص رویکرد مثبت فرهنگی	۰.۷۷۶
۳	شاخص رویکرد منفی اقتصادی	۰.۵۰۱
۴	شاخص رویکرد منفی فرهنگی	۰.۱۸۴
۵	شاخص رویکرد مثبت کلی	۰.۸۰۱
۶	شاخص رویکرد منفی کلی	۰.۵۲۳
۷	کل پرسشنامه	۰.۷۳۹

نتایج نشان داد، ۶ شاخص برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه تدوین شده است و مقدار آلفای کرونباخ هر کدام به شرح ذیل می‌باشند:

۱- شاخص " رویکرد مثبت اقتصادی " که بوسیله ۶ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.572)$ می‌باشد.

۲- شاخص " رویکرد مثبت فرهنگی " که بوسیله ۸ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.776)$ می‌باشد.

۳- شاخص " رویکرد منفی اقتصادی " که بوسیله ۵ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.501)$ می‌باشد.

- ۴- شاخص " رویکرد منفی فرهنگی " که بوسیله ۶ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.184)$ می باشد.
- ۵- شاخص " رویکرد مثبت کلی " که بوسیله ۱۴ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.801)$ می باشد.
- ۶- شاخص " رویکرد منفی کلی " که بوسیله ۱۱ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.523)$ می باشد.
- ۷- شاخص کل که بوسیله ۲۵ گویه سنجیده شده اند، مقدار ضریب آلفا برای این شاخص برابر است با $(\alpha = 0.739)$ می باشد.
- در مجموع ابزار سنجش تحقیق از پایایی لازم برخوردار است و به عبارت دیگر قابلیت اعتماد و تکرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش گردشگری در تحکیم صلح در جوامع میزبان از دیدگاه فعالان گردشگری استان مازندران، تصویری جامع از اثرات چندبعدی گردشگری بر جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه ارائه می دهد. یافته های آماری نشان داد که اکثریت پاسخ دهندگان دیدگاهی مثبت نسبت به نقش گردشگری در گسترش مدارای اجتماعی و ارتقای صلح دارند. این نتایج نشان می دهد که گردشگری، به ویژه زمانی که در چارچوب سیاست های توسعه پایدار و برنامه ریزی فرهنگی پیش رود، می تواند بستر مناسبی برای تقویت همبستگی اجتماعی و تعامل سازنده میان فرهنگ ها فراهم آورد (Farmaki, 2017).

مطابق یافته های تحقیق، مؤلفه های اقتصادی و فرهنگی بیشترین تأثیر را در برداشت پاسخ دهندگان از صلح داشته اند. توسعه گردشگری از طریق افزایش اشتغال، کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد در مناطق گردشگرپذیر، موجب ارتقای احساس رضایت و ثبات اجتماعی در میان جوامع محلی می شود (Hashemian Bojnord, 2015). این یافته با مطالعات بین المللی هم راستا است که گردشگری را عاملی برای بهبود وضعیت معیشتی و در نتیجه کاهش تنش های اجتماعی معرفی کرده اند (Honey & Gilpin, 2009). از سوی دیگر، گسترش تعاملات بین فرهنگی در جوامع میزبان، که خود نتیجه تماس مستقیم میان گردشگران و ساکنان محلی است، به افزایش درک متقابل و همدلی بین اقوام، مذاهب و ملیت های مختلف منجر می شود (Robinson & Picard, 2006).

این نتیجه با نظریه «تماس بین گروهی» هم خوانی دارد که بر نقش ارتباط مستقیم میان گروه های مختلف در کاهش تعارض و تقویت صلح تأکید می کند (Balvin & Kashima, 2012). بر اساس این نظریه، ارتباطات میان فرهنگی، زمانی که بر پایه احترام متقابل و شرایط برابر شکل گیرد، می تواند موجب بازسازی نگرش ها و رفع پیش داوری ها شود. در همین راستا، یافته های تحقیق حاضر حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد از پاسخ دهندگان بر نقش تعاملات فرهنگی در ارتقای صلح اجتماعی تأکید کرده اند. این یافته ها با مطالعات پیشین هم خوان است که نشان داده اند گردشگری فرهنگی به عنوان پلی میان ملت ها عمل می کند و زمینه ساز تفاهم متقابل است (Frew & White, 2010; Haessly, 2011).

افزون بر این، نتایج تحقیق نشان داد که گردشگری داخلی نیز نقشی مؤثر در ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی دارد. تعاملات میان اقوام و گروه های فرهنگی مختلف در بستر گردشگری داخلی، نه تنها به همگرایی فرهنگی و کاهش فاصله های طبقاتی کمک می کند، بلکه احساس تعلق ملی را نیز تقویت می نماید (Sohrabzadeh & Zafardoust, 2015). چنین نتایجی مؤید این است که توسعه گردشگری، فراتر از کارکرد اقتصادی، یک سازوکار اجتماعی برای کاهش شکاف های فرهنگی و نژادی است. از جنبه فرهنگی، داده های به دست آمده نشان داد که مشارکت جوامع محلی در فعالیت های گردشگری موجب افزایش خودباوری فرهنگی و احیای ارزش های بومی می شود. این یافته با نتایج پژوهش (Haghighat Ghahfarokhi et al., 2023) همسو است که نشان داد فعالیت زنان در اقامتگاه های بوم گردی کرمان باعث بازتعریف هویت فرهنگی آنان و افزایش نقش اجتماعی شان شده است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که گردشگری نه تنها موجب توانمندسازی اقتصادی، بلکه عاملی برای بازسازی هویت و افزایش مشارکت اجتماعی است.

در کنار اثرات فرهنگی، گردشگری از نظر اقتصادی نیز نقش چشمگیری در ایجاد صلح ایفا می کند. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که گردشگری به دلیل اثرات مثبت بر اشتغال و درآمدزایی، در کاهش فقر و تقویت عدالت اقتصادی نقش دارد. این یافته همسو با دیدگاه (Hasana et al., 2021) است که بر اهمیت مشارکت جوامع محلی در



مدیریت منابع طبیعی برای توسعه پایدار گردشگری تأکید دارد. در واقع، گردشگری پایدار نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه از طریق توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها، به پیشگیری از تعارضات اجتماعی و تحقق عدالت ساختاری نیز یاری می‌رساند (Zahedi, 2006).

از منظر اجتماعی، توسعه گردشگری به شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی گسترده میان جوامع محلی، دولت و بخش خصوصی کمک می‌کند که این امر خود بستر گفت‌وگو و همکاری را تقویت می‌نماید. چنین همبستگی اجتماعی از عناصر اصلی صلح مثبت محسوب می‌شود که در آن مردم با درک منافع مشترک، به سمت همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز حرکت می‌کنند (Farmaki, 2017).

در این میان، یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که گردشگری در مناطق مختلف ایران، به‌ویژه در استان‌های شمالی، علاوه بر مزایای اقتصادی، موجب رشد فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی شده است. پژوهش‌های مرتبط نشان داده‌اند که ارتقای سطح آگاهی زیست‌محیطی از طریق گردشگری مسئولانه، به حفظ منابع طبیعی و افزایش حس تعلق افراد نسبت به محیط زندگی‌شان منجر می‌شود (Honey & Gilpin, 2009). این موضوع تأیید می‌کند که گردشگری نه تنها در حفظ محیط زیست، بلکه در ارتقای صلح انسان با طبیعت نیز نقش دارد.

نکته قابل توجه در داده‌های به‌دست‌آمده این بود که با وجود تأکید بر اثرات مثبت اقتصادی و فرهنگی، درصدی از پاسخ‌دهندگان نسبت به پیامدهای منفی گردشگری در حوزه محیط زیست و فرهنگ هشدار داده‌اند. آنان بر این باور بودند که افزایش بیش از حد گردشگران و فقدان مدیریت علمی ممکن است موجب فرسایش منابع طبیعی و تضعیف فرهنگ‌های بومی شود. این نگرانی با مطالعات (Hasana et al., 2021) و (Zahedi, 2006) همسو است که تأکید می‌کنند تحقق توسعه گردشگری پایدار مستلزم تدوین سیاست‌هایی مبتنی بر عدالت محیطی و حفظ تنوع فرهنگی است.

از نظر ارتباط فناوری و گردشگری، پژوهش حاضر بر اهمیت فناوری‌های نوین اطلاعاتی در گسترش تعاملات فرهنگی و افزایش دسترسی به مقاصد گردشگری تأکید کرد. یافته‌های مشابه در مطالعه (Hoseynzadeh & Hooshmand, 2020) نشان داد که فناوری اطلاعات با بهبود زیرساخت‌های ارتباطی، موجب افزایش جذب گردشگر و ارتقای بهره‌وری در صنعت گردشگری شده است. در واقع، فناوری در کنار جنبه‌های اقتصادی، نقش فرهنگی مهمی نیز دارد زیرا موجب تبادل دانش، ارتقای آگاهی جهانی و گسترش گفت‌وگوی بین‌فرهنگی می‌شود.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که عامل رهبری و فرهنگ سازمانی در نهادهای مرتبط با گردشگری، به شکل غیرمستقیم بر تحقق صلح و رضایت اجتماعی تأثیر دارد. نتایج با مطالعه (Idris et al., 2022) مطابقت دارد که نشان داد رهبری تحول‌گرا و مهارت‌های سیاسی مدیران می‌تواند موجب بهبود عملکرد کارکنان در سازمان‌های گردشگری شود. مدیریت انسانی مؤثر و شفاف، رضایت گردشگران و اعتماد متقابل بین سازمان و جامعه میزبان را افزایش داده و در نهایت به همزیستی پایدار کمک می‌کند. افزون بر جنبه‌های مدیریتی، یافته‌های این پژوهش با تحقیق (Rasouli et al., 2024) همسو است که تأکید می‌کند مشارکت اجتماعی در صنعت گردشگری، نقش حیاتی در تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه شهری دارد. در جامعه‌های مانند ساری، افزایش مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری موجب ارتقای حس تعلق اجتماعی و کاهش بی‌اعتمادی نهادی شده است. در همین راستا، می‌توان نتیجه گرفت که صلح و توسعه گردشگری زمانی تحقق می‌یابد که سیاست‌گذاران به مردم به عنوان بازیگران اصلی توسعه توجه کنند و تصمیم‌گیری‌ها را از سطح بالا به پایین به سطح مشارکتی تبدیل نمایند (Farmaki, 2017).

از منظر کلان، نتایج این پژوهش هم‌راستا با دیدگاه‌های (Fatemi, 2021) است که تأکید دارد گردشگری و صلح رابطه‌ای دوسویه دارند؛ به‌گونه‌ای که گسترش گردشگری می‌تواند سبب افزایش صلح و در مقابل، برقراری صلح نیز موجب شکوفایی صنعت گردشگری شود. این رابطه تعاملی در چارچوب رویکرد توسعه پایدار معنا می‌یابد؛ جایی که گردشگری به عنوان نیروی اجتماعی و فرهنگی در خدمت بهبود کیفیت زندگی و تقویت همزیستی جهانی قرار می‌گیرد.

در سطح خرد، داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که نگاه پاسخ‌دهندگان به گردشگری عمدتاً از منظر منافع اجتماعی و فرهنگی مثبت است و نگرش‌های منفی محدود به ابعاد زیست‌محیطی است. این الگو نشان می‌دهد که برای جوامع محلی، تجربه ملموس منافع اقتصادی و اجتماعی، عامل تقویت‌کننده درک مثبت از گردشگری است. این نتیجه با یافته‌های (Frew & White, 2011) هم‌خوانی دارد که بر نقش برند ملی و تصویر مثبت مقصد در افزایش تعلق و غرور اجتماعی تأکید کرده‌اند.



به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر گویای آن است که گردشگری در جوامع میزبان، زمانی می‌تواند عامل صلح پایدار باشد که بر اساس اصول عدالت فرهنگی، توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی و آموزش بین‌فرهنگی بنا گردد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که صلح نه صرفاً در نبود جنگ، بلکه در وجود تعاملات مثبت، عدالت اجتماعی و احترام به تنوع فرهنگی معنا می‌یابد (Farmaki, 2017; Haessly, 2010).

این پژوهش با وجود دستاوردهای علمی ارزشمند، محدودیت‌هایی نیز دارد. نخست، جامعه آماری تحقیق تنها به فعالان گردشگری استان مازندران محدود بود و نتایج آن ممکن است به‌طور کامل قابل تعمیم به سایر مناطق کشور نباشد. دوم، پژوهش از روش دلفی و پرسشنامه استفاده کرد که وابسته به نظرات ذهنی پاسخ‌دهندگان است و احتمال سوگیری در پاسخ‌ها وجود دارد. سوم، اثرات بلندمدت گردشگری بر صلح و همبستگی اجتماعی در این مطالعه بررسی نشد، در حالی که صلح یک پدیده تدریجی و چندمرحله‌ای است که نیازمند تحلیل طولی و میان‌فرهنگی است.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کمی-کیفی)، به بررسی عمیق‌تر فرایندهای اجتماعی مؤثر بر رابطه گردشگری و صلح بپردازند. همچنین، مقایسه تطبیقی میان استان‌های مختلف ایران و کشورهایی با ساختار فرهنگی مشابه می‌تواند به درک بهتر نقش عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این رابطه کمک کند. بررسی اثر فناوری‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال بر شکل‌گیری فرهنگ صلح در میان گردشگران نیز می‌تواند افق‌های جدیدی در این حوزه بگشاید. در بعد اجرایی، پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی گردشگری در سطح ملی و استانی، برنامه‌هایی برای آموزش صلح و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی در قالب کارگاه‌ها و رویدادهای فرهنگی طراحی کنند. توسعه سیاست‌های گردشگری پایدار با مشارکت جوامع محلی، حمایت از زنان و جوانان در فعالیتهای گردشگری، و نظارت بر اثرات زیست‌محیطی سفرها از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تقویت نقش گردشگری در تحکیم صلح اجتماعی بینجامد. علاوه بر این، تدوین راهبردهای تبلیغاتی برای معرفی ایران به عنوان مقصد گردشگری صلح و فرهنگ می‌تواند جایگاه بین‌المللی کشور را در عرصه دیپلماسی عمومی ارتقا دهد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.



Extended Summary

Introduction

Tourism, as one of the most dynamic sectors of the global economy, has emerged as a multidimensional force influencing economic growth, cultural integration, and social harmony. Beyond its material and financial contributions, tourism plays a vital role in promoting peace, tolerance, and intercultural understanding among nations (Farmaki, 2017). In the contemporary world, where global interactions are intensified and cultural boundaries increasingly blurred, tourism serves as a human-centered mechanism that fosters mutual respect and empathy across societies. The link between tourism and peace has thus become a crucial subject of study, particularly within the framework of sustainable development and social stability (Haessly, 2010).

From a conceptual standpoint, the relationship between tourism and peace is reciprocal: peace provides the essential foundation for the growth of tourism, while tourism, in turn, contributes to the consolidation of peaceful coexistence. Tourism encourages the encounter between peoples, cultures, and worldviews, allowing individuals to transcend stereotypes and build bridges of understanding (Balvin & Kashima, 2012). Scholars in peace psychology have emphasized that cultural exchange and social contact are key mechanisms for reducing intergroup hostility and fostering long-term harmony. In this regard, the contact hypothesis in social psychology offers a theoretical basis suggesting that structured and positive contact between groups diminishes prejudice and promotes trust (Farmaki, 2017).

In the context of developing countries, including Iran, tourism has increasingly been recognized as a strategic driver for both economic growth and social stability. Iran's rich cultural diversity, historical heritage, and natural landscapes offer significant potential for tourism-driven peacebuilding. However, realizing this potential requires inclusive management practices, the empowerment of local communities, and the protection of cultural and environmental resources (Zahedi, 2006). Research in this field shows that community participation is a critical factor in achieving equitable and sustainable tourism outcomes (Hasana et al., 2021). Local engagement not only increases the economic benefits of tourism but also reinforces cultural identity and strengthens social cohesion (Robinson & Picard, 2006).

Tourism also serves as a medium for intercultural dialogue, which is essential to maintaining social stability in culturally diverse nations. Through direct human interaction, tourists and host communities engage in a process of mutual learning that enhances empathy and tolerance (Sohrabzadeh & Zafardoust, 2015). Furthermore, responsible tourism can act as an informal educational system that promotes awareness about cultural diversity, environmental protection, and global citizenship (Frew & White, 2011). In this sense, the tourism industry is not merely a driver of economic prosperity but also a facilitator of peace education and intercultural ethics (Haessly, 2010).

From an economic standpoint, the results of various studies have emphasized that tourism can alleviate poverty, stimulate regional development, and reduce inequalities—factors that collectively contribute to structural peace (Honey & Gilpin, 2009). For instance, small-scale tourism projects can empower marginalized communities by providing employment, supporting local entrepreneurship, and enhancing social equity (Hashemian Bojnord, 2015). Likewise, the development of eco-tourism and sustainable tourism initiatives contributes to environmental preservation and the well-being of future generations (Hasana et al., 2021).



Another critical dimension of peace-oriented tourism is gender inclusion. As research has indicated, women's participation in the tourism industry enhances their social status, decision-making power, and financial independence (Haghighat Ghahfarokhi et al., 2023). By empowering women and encouraging equal participation, tourism strengthens social justice and promotes equality—two essential pillars of lasting peace (Balvin & Kashima, 2012). At the same time, technological progress has dramatically transformed tourism practices worldwide, making destinations more accessible and experiences more personalized (Hoseynzadeh & Hooshmand, 2020). Digital platforms, smart systems, and online marketing tools have improved connectivity between tourists and host communities, fostering awareness and engagement across cultural boundaries.

Moreover, organizational culture and leadership within tourism institutions play an essential role in ensuring ethical management and positive social outcomes. Transformational leadership and participative organizational practices have been found to enhance employee performance, improve service quality, and build public trust (Idris et al., 2022). Such leadership models ensure that tourism operates not merely as an industry but as a socially responsible system that contributes to peacebuilding.

In recent years, empirical research in Iran has demonstrated the potential of tourism to enhance civic participation, strengthen urban identity, and boost local economies (Jalalian et al., 2019; Rasouli et al., 2024). Studies in cities such as Marivan and Sari indicate that inclusive tourism policies improve social solidarity and public trust, which in turn lay the groundwork for peaceful social interactions. On the global scale, similar findings show that peace-oriented tourism policies can rebuild post-conflict societies, promote intercultural reconciliation, and foster coexistence (Fatemi, 2021).

Accordingly, the current study seeks to contribute to this growing body of knowledge by examining the role of tourism in consolidating peace in host communities from the perspective of tourism professionals and stakeholders in Mazandaran Province, Iran.

Methods and Materials

This study adopted an applied and descriptive research design utilizing the Delphi method to gather expert opinions. The target population consisted of senior and middle managers from the Ministry of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts, as well as private-sector tourism professionals, including hotel, restaurant, and eco-lodge managers in Mazandaran Province. Due to the limited population size, the census method was applied. Data were collected through a structured questionnaire consisting of 25 items on a five-point Likert scale. The questionnaire was validated by experts, and its reliability was tested using Cronbach's alpha, which yielded a value of 0.739, indicating acceptable internal consistency. Data analysis was conducted using SPSS software, focusing on descriptive statistics and reliability assessment.

Findings

The results revealed that 61% of the respondents were male and 39% female, with most participants holding undergraduate or graduate degrees. Among the total respondents, 57.5% were employed in the public sector and 42.5% in private tourism enterprises. Analysis of positive indicators showed that 100% of respondents agreed that tourism has a positive impact on social tolerance and peaceful coexistence within host communities. Similarly, 93.3% strongly agreed that tourism fosters intercultural dialogue and mutual understanding among different groups.

Regarding economic impacts, the findings indicated that tourism significantly contributes to job creation, income generation, and the reduction of local unemployment. Respondents emphasized that these economic benefits enhance the standard of living in host communities and create favorable conditions for social stability.



In the cultural dimension, 86.7% of participants agreed that tourism enhances cultural awareness and appreciation of diversity, while 84.4% believed that it strengthens national unity and mutual respect among ethnic groups. Furthermore, 60% of respondents acknowledged that tourism promotes social empathy and moral values, particularly in local communities exposed to diverse cultures.

However, the study also identified certain negative perceptions. Approximately 46.7% of respondents expressed concerns about potential cultural homogenization and the weakening of traditional norms due to uncontrolled mass tourism. Environmental concerns were also highlighted, with 40% indicating that unregulated tourism might lead to resource depletion and ecological damage. Despite these concerns, the overall Cronbach's alpha for the "positive perception index" (0.801) was significantly higher than that of the "negative perception index" (0.523), confirming the predominance of favorable attitudes toward tourism's role in peacebuilding.

Discussion and Conclusion

The findings of this study demonstrate that tourism in Mazandaran Province has a substantial positive influence on promoting peace, tolerance, and sustainable development within host communities. Participants' strong agreement on the positive social and cultural impacts of tourism aligns with global perspectives asserting that tourism can act as a catalyst for social integration and intercultural understanding. Economic empowerment derived from tourism activities enhances individuals' sense of stability and belonging, while cultural exchange fosters empathy and respect across communities.

The results also reveal that tourism's potential to build peace extends beyond mere economic benefits; it functions as a platform for dialogue, cooperation, and identity reconstruction. When managed responsibly, tourism bridges social divisions, nurtures a sense of shared humanity, and transforms cultural diversity into a resource for unity rather than conflict. In this way, tourism supports not only "negative peace," characterized by the absence of conflict, but also "positive peace," which reflects justice, equality, and mutual respect.

At the same time, the study highlights the necessity of strategic planning and sustainable management in mitigating tourism's potential negative effects. Without proper regulation, tourism may inadvertently contribute to cultural dilution and environmental degradation. Thus, policymakers and tourism managers must adopt integrated approaches that balance economic growth with cultural preservation and environmental protection.

Overall, this research reaffirms the transformative power of tourism as a vehicle for peacebuilding in host communities. Through inclusive governance, community participation, and ethical leadership, tourism can evolve from a commercial industry into a socio-cultural force for global harmony. The case of Mazandaran exemplifies how localized efforts in tourism management can yield broader contributions to national solidarity and intercultural peace.

References

- Balvin, N., & Kashima, Y. (2012). Hidden obstacles to reconciliation in Australia: The persistence of stereotypes. In D. Bretherton & N. Balvin (Eds.), *Peace psychology in Australia* (pp. 197-219). Springer Science + Business Media. https://doi.org/10.1007/978-1-4614-1403-2_12
- Farmaki, A. (2017). The tourism and peace nexus. *Tourism Management*, 59, 528-540. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2016.09.012>
- Fatemi, A. (2021). Examining the Mutual Impact of Health Tourism and Peace on Each Other Globally. International Conference on Management, Tourism, and Technology,
- Frew, E., & White, L. (2011). *Tourism and National Identities: an international perspectives* (first edition ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203855966>
- Haessly, J. (2010). Tourism and a culture of peace. In *Tourism, progress and peace* (pp. 1-16). CABI. <https://doi.org/10.1079/9781845936778.0001>



- Haghighat Ghahfarokhi, F., Hosseini, S. A., Ghaderi, E., & Mahmudzadeh, S. M. (2023). Semantic Analysis of women's identity construction in tourism (Case study: women working in ecolodges of Kerman province). *Woman in Development & Politics*, 21(1), 82-53. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.347099.1008246>
- Hasana, U., Swain, S. K., & George, B. (2021). Management of Ecological Resources for Sustainable Tourism: A Systematic Review on Community Participation in Ecotourism Literature. *International Journal of Professional Business Review*, 7(1), e0269. <https://doi.org/10.26668/businessreview/2022.v7i1.269>
- Hashemian Bojnord, N. (2015). Investigating Factors Affecting Tourism Development from the Perspective of Urban Management. The First National Conference on Iranian Urban Management, Tehran. <https://civilica.com/doc/551007>
- Honey, M., & Gilpin, R. (2009). *Tourism in the Developing World*. US Institute of Peace. https://books.google.com/books/about/Tourism_in_the_Developing_World.html?id=HQh2wc_SgxkC
- Hoseynzadeh, H., & Hooshmand, M. (2020). The impact of information technology and tourism on urban economy on tourism industry (Case study: Meshkinshahr). *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4(34), 78-88. <https://www.magiran.com/paper/2160019>
- Idris, I., Suyuti, A., Supriyanto, A. S., & As, N. (2022). Transformational leadership, political skill, organizational culture and employee performance: A case study from tourism company in Indonesia. *Geojournal of Tourism and Geosites*, 40(1), 104-110. <https://doi.org/10.30892/gtg.40112-808>
- Jalalian, S. E., Saidi, M., & Waysian, M. (2019). Brand Equity Analysis of Urban Tourism Destination (Case Study: Marivan City). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 7(2), 333-348. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2019.270214.1007>
- Rasouli, S. H., Yazarlu, H., Pouriani, J., & Khamsai, S. (2024). Measuring Social Participation in the Development of the Tourism Industry and Its Application in Urban Planning Literature (Case Study: Sari City). *Scientific Journal of Social Issues and Politics*, 2(7), 1-21. <https://sanad.iau.ir/Journal/jsp/Article/1127173>
- Robinson, M., & Picard, D. (2006). Tourism, Culture and Sustainable Development. *Programme "Culture, Tourism, development", Division of Cultural Policies and intercultural dialogue, Culture Sector, UNESCO*. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000147578>
- Sohrabzadeh, M., & Zafardoust, S. (2015). Tourism and Its Socio-Cultural Impacts. The First International Comprehensive Conference on Iranian Social Sciences, <https://en.civilica.com/doc/477327/>
- Zahedi, S. (2006). Tourism and Sustainable Development: The Necessity of Integrating Environmental Protection in Tourism Development Policies. *Tourism Studies*(11-12), 0-0. <https://sid.ir/paper/482883/fa>

